

مقاله پژوهشی:

تحلیل اصول اخلاقی حاکم بر رفتار پرداخت کنندگان و دریافت کنندگان وجوه خیریه با رویکرد اسلامی

srhoseini@rihu.ac.ir

mostafakazemi@rihu.ac.ir

سیدرضا حسینی / دانشیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی / استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

چکیده

هرچند رفتارهای خیرخواهانه بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهند، رفتار مطلوب در این بخش کمتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. با توجه به نقش بخش خیریه در ترمیم نواقص عملکرد بازار و دولت و همچنین مشکلات خاص فعالیت‌های خیرخواهانه، این مقاله با مراجعه به نصوص قرآنی و روایی به روش توصیفی - تحلیلی، به کشف و ارائه اصول اخلاقی حاکم بر رفتارهای پرداخت کنندگان و دریافت کنندگان وجوه خیریه می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیق، قاعده کلی در رفتارهای خیرخواهانه «بیشینه کردن کمک به دیگران با اکتفاء به مقدار کم برای خود» است. قواعد فرعی حاکم بر بخشش به دیگران به‌عنوان جزئی از برنامه تخصیص درآمد فرد مسلمان شامل مواردی همچون اهتمام به تأمین نیازهای دیگران به‌جای ارضاء خواسته‌ها، رعایت اعتدال در تخصیص درآمد میان تکافل اجتماعی، مصارف شخصی فعلی و پس‌انداز برای آینده، قصد رضایت الهی در انفاق، رعایت اولویت گیرندگان کمک به ترتیب الأقرب فالأقرب، رعایت اولویت نیازها به ترتیب الأهم فالأهم، رعایت اعتدال و میانه‌روی، رعایت عزت نفس و کرامت گیرندگان، مباشرت در اعطاء و پرهیز از ذخیره‌سازی و تسریع در تخصیص وجوه خیریه نام برد. رعایت قواعد و اصول مزبور در رفتارهای بخش خیریه، موجب بهبود عملکرد این بخش و ایجاد نهادی مناسب‌تر برای تکمیل عملکرد بازار و دولت خواهد گردید.

کلیدواژه‌ها: بخش خیرخواهانه، انفاق، اصول حاکم بر رفتار خیرخواهانه.

طبقه‌بندی JEL: D01, L31, Z19

فعالیت‌های عام‌المنفعه در کشورهای گوناگون دنیا قدرت اقتصادی در حال رشدی را تشکیل می‌دهد و ظهور و نمود این بخش به اعتبار حضور اقتصادی پررنگ آن روزه‌روز بیشتر می‌شود. تحقیقات جدید حاکی از آن است که در کشورهای توسعه‌یافته قریب ۸ الی ۱۲ درصد شاغلان بخش غیرکشاورزی و نسبت بالاتری از نیروی کار رسمی در کشورهای در حال توسعه را بخش عام‌المنفعه تشکیل می‌دهد؛ این در حالی است که در اروپای غربی و آمریکا و برخی کشورهای دیگر بخشی از درآمدهای این بخش از ناحیه بخش عمومی به دست می‌آید. بدین‌روی آمار مربوط به این بخش در ضمن بخش عمومی و یا بازار گنجانده می‌شود و پنهان می‌ماند. بنابراین آنچه در آمارهای رسمی منعکس می‌شود تنها بخش کوچکی از فعالیت‌هایی است که این مؤسسات انجام می‌دهند (سازمان ملل، ۲۰۰۵، ص ۲-۳).

فعالیت‌های عام‌المنفعه به شاخه‌های گوناگونی تقسیم می‌شود؛ اما به علت آنکه بخش اصلی این فعالیت‌ها کمک‌های مردم به نیازمندان جامعه است و اصول اخلاقی حاکم بر این فعالیت‌ها نیز غالباً در همه شاخه‌های خیریه مشترک است، موضوع بحث این مقاله به بررسی رفتار پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان وجوه خیریه اختصاص یافته است.

اهمیت روزافزون این بخش در حالی است که در متون مرسوم علم اقتصاد به مطالعه اصول حاکم بر رفتار عاملان بخش خیریه کم‌توجهی شده است. با عنایت به اینکه فعالیت‌های این بخش - به‌ویژه در جوامع اسلامی - به طور عمده مبتنی بر انگیزه‌های دینی است (کولت و مورسی، ۲۰۰۷) و در نصوص قرآنی و حدیثی انگیزه‌های برتر و باید و نباید این‌گونه رفتارها به طور گسترده‌ای مطرح شده است، این مقاله می‌کوشد تا با مراجعه به نصوص قرآنی و روایی به روش توصیفی - تحلیلی قاعده رفتاری و اصول اخلاقی حاکم بر رفتارهای پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان وجوه خیریه را کشف و ارائه کند. هدف نهایی مقاله نشان دادن نقش قاعده رفتاری و اصول اخلاقی متخذ از قرآن و حدیث در بهبود عملکرد بخش خیریه و ایجاد نهادی مناسب‌تر برای تکمیل عملکرد بازار و دولت است.

پیشینه تحقیق

صادقی و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند: یکی از نهادهای مهمی که در اسلام مطرح شده و به طور ویژه ارمغان ادیان الهی و اسلام می‌باشد، نهاد «انفاق» است. انفاق می‌تواند بسیاری از مسائل جامعه - مانند فقر و نابسامانی‌های درآمدی و مصرفی - را اصلاح کند. این مقاله عوامل مؤثر بر انفاق و تابع انفاق با توجه به آموزه‌های اسلامی را بررسی کرده و تابع انفاق در ایران را به صورت تجربی تخمین زده است.

نهضتی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رفتار خیرخواهانه در ایران»، برای رفتارهای خیرخواهانه شاخص کمی پیشنهاد کرده و اثبات کرده‌اند که متغیرهای درآمد، سن، تحصیل، بعد خانوار، تعداد فرزندان، فرزندان مجرد، فرزندان شاغل، نسبت جنسی فرزندان، برخورداری از رفاه و داشتن کالاهای بادوام به تناسب بر شاخص رفتار خیرخواهانه اثر دارند.

حسینی و کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافلی در اقتصاد اسلامی» کوشیده‌اند تا از منظر اقتصاد اسلامی عرضه و تقاضای وجوه تکافلی و عوامل مؤثر بر آنها را تحلیل کنند و تعادل در این بخش را با استفاده از ابزار تحلیل، نمودار و ریاضیات تشریح کنند.

پیتر سینگر (۱۳۹۸) در کتاب *نوع‌دوستی مؤثر* شرایط و قواعد ضروری برای تحقق بیشترین خیرسانی به دیگران در کمک‌های خیریه را بر مبنای سنت لیبرالیسم و فایده‌گرایی تبیین کرده است.

دبورا ال رود و *آماندا کی پکل* (۲۰۰۹) در مقاله خود با عنوان «اخلاق و خیرخواهی» مشکلات اخلاقی در سازمان‌های خیریه و بهترین راه‌ها برای ارتقای رفتار اخلاقی و افزایش اعتماد عمومی به آنها را بررسی کرده‌اند. برخی از این چالش‌ها عبارت است از: کلاهبرداری، ارائه نادرست اطلاعات، نبود شفافیت، سوءاستفاده از دارایی‌ها، عدم تخصیص بهینه منابع و تعارض منافع. مهم‌ترین راه کارهای اصلاحی هم عبارت است از: نظارت نهادی بهتر، آموزش عمومی بیشتر، اقدامات شفاف‌تر و فراگیرتر، نهادینه کردن فرهنگ اخلاقی و تدوین استانداردهای مشترک برای حسابداری و توسعه سیستم‌های رتبه‌بندی بهتر.

رابینسون و یه (۲۰۰۷) در مقاله خود «مدیریت معضلات اخلاقی در سازمان‌های غیرانتفاعی» رویه‌ای را پیشنهاد می‌کنند که براساس آن مدیران مؤسسات خیریه تصمیمات مقتضی برای مواجهه با این معضلات را اتخاذ کنند. چنان‌که مشاهده می‌شود، آثاری که در خصوص انفاق و خیرخواهی وجود دارد یا این پدیده را به صورت عام بررسی کرده‌اند و یا کوشیده‌اند تا بر بعدی از ابعاد آن متمرکز گردند.

مقاله حاضر از این حیث از دیگر آثار موجود متمایز است که اولاً، جایگاه خیرخواهی را در نظام اقتصادی و فلسفه اخلاق اقتصادی تحلیل می‌کند. ثانیاً، قاعده رفتاری و اصول بهینه‌یابی در رفتار پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان وجوه خیر - به‌مثابه یکی از رفتارهای اقتصادی - را با رویکرد و ادبیاتی جدید می‌کاود. ثالثاً، نقش اصول اخلاقی مذکور در بهبود عملکرد بخش خیریه و ایجاد نهادی کارآمدتر به‌مثابه مکملی برای عملکرد بازار و دولت را نشان می‌دهد.

تحلیل جایگاه بخش خیرخواهانه در نظام اقتصادی

جایگاه نظری بخش خیریه از نظر اثباتی در جایی تعیین می‌شود که بازار و دولت هر کدام به‌نحوی در تأمین منافع اجتماعی با عدم کفایت مواجه می‌شوند. بازار که نهاد تنظیم‌کننده فعالیت‌های بخش خصوصی است، در عرضه کالاهای عمومی، کالاهای جمعی استثنایپذیر، کالاهای استحقاقی و عدم تقارن اطلاعات در قراردادها با ناکارآمدی مواجه است. کالاهای عمومی محض به‌سبب دو ویژگی رقابت‌ناپذیری و استثنایناپذیری، در بازار تولید نمی‌شوند. کالاهای رقابت‌ناپذیر اما استثنایپذیر - که در اصطلاح، «کالاهای جمعی» خوانده می‌شوند - با مشکل «محرورسازی بیش از حد» روبه‌رو می‌شوند (طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸).

«کالاهای استحقاقی» مجموعه کالاها و خدمات (و یا حد مشخصی از نیازهای معیشتی) می‌باشند که حتی افراد فاقد درآمد هم باید از آن برخوردار باشند و در صورت عدم مداخله دولت، میزان کافی از این کالاها تولید و یا توزیع نمی‌گردد (دادگر، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

«شکست قراردادی» بازار وقتی اتفاق می‌افتد که اطلاعات طرف‌های قرارداد از یکدیگر ناقص است و همین موجب انواع سوءاستفاده و تحمیل شرایط نامطلوب بر عرضه و یا تقاضای کالاها می‌گردد. اقتصاددانان در چنین حالتی ورود دولت به عرصه تصدی فعالیت اقتصادی و یا اعمال محدودیت‌های قانونی را تجویز می‌کنند (توکلی، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

دولت موارد عدم کفایت بازار را تا حدودی جبران می‌کند؛ اما خود نیز به عللی دچار عدم کفایت می‌شود. فقدان تنوع در کالاهای عرضه‌شده توسط دولت به تناسب خواسته‌های گوناگون مردم و عدم امکان تبعیض قیمت، اجباری بودن پرداخت‌ها و عدم امکان انتقال یکجا، عدم استفاده بهینه مردم از کالاها و خدمات عمومی و عدم تقارن اطلاعات از جمله علل عدم کفایت دولت محسوب می‌شوند (ر.ک: طغیانی و درخشانی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۷-۱۳۴).

بخش خیریه مجری فعالیت‌هایی است که با انگیزه‌های خیرخواهانه و بدون توزیع سود و به صورت اختیاری توسط مردم انجام می‌شود و همانند دولت در زمینه ترمیم موارد عدم کفایت بازار ایفای نقش می‌کند و چون به صورت اختیاری و بدون انگیزه سود عمل می‌کند، محل اعتماد مردم است و از برخی عوامل ناکارآمدی و عدم کفایت دولت متأثر نمی‌شود (همان، ص ۱۳۵). با این حال، فعالیت‌های این بخش نیز با مشکلاتی مواجه است و عللی برای عدم کفایت آن نیز مطرح شده است.

سالامون برای اولین بار، چهار عامل را که مشکلات ذاتی بخش خیریه به‌شمار می‌روند، بررسی کرد: (۱) عدم کفایت نوع دوستی؛ (۲) ویژه‌گرایی نوع دوستی؛ (۳) پدرسالاری نوع دوستی؛ (۴) حرفه‌ای نبودن (آمارتور بودن) نوع دوستی (سالامون، ۱۹۸۷، ص ۹۹-۱۱۷). پدیده‌های نامتقارن بودن اطلاعات (در مقیاس محدودتری نسبت به بخش دولت)، سواری مجانی، مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) و انتخاب نامناسب (کژگزینی) نیز از دیگر مشکلات این بخش است که در برخی منابع به آنها اشاره شده است (ر.ک: حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۸).

در بخش‌های بعدی این مقاله نشان داده می‌شود که حاکمیت اخلاق اسلامی بر رفتارهای پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان و جوه خیریه از دامنه این‌گونه مشکلات می‌کاهد.

تحلیل جایگاه خیرخواهی در فلسفه اخلاق اقتصادی

نظامات اخلاقی و ارزشی گوناگون دیدگاه‌های متفاوتی درباره فضایل و رذایل اخلاقی و معیارهای خوب و بد رفتار آدمی دارند. نیسوفان، مغرب‌زمین در آغاز دوره شکل‌گیری علوم انسانی جدید، بر حاکمیت شهوات بر رفتارهای انسان تأکید می‌کردند. هابز در این‌باره ابراز داشت:

حتی اگر آدمی درک کند که بهترین راه تأمین منافع شخصی او همکاری و تعاون با هموعانش است، باز هم برای او فایده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا عقل انسان در تحلیل نهایی، بنده و خدمت‌گزار شهوات اوست و چون عقل آدمی متکی به شهوات اوست، تنها وظیفه اش این است که به وسیله جست‌وجوی عواملی که می‌توانند شهوات را ارضا کنند در خدمت انسان قرار گیرد (جونز، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۰).

بنا بر عقیده خاص *ماندویل*، کمک به فقرا، قناعت و امثال آن با وجود داشتن ظاهری اخلاقی و خیرخواهانه، موجب رکود و در نهایت شر خواهد شد. ولی اسراف و تبذیر در مصرف و واردات کالاهاى لوکس درحالی‌که ظاهری غیراخلاقی دارند موجب شکوفایی اقتصادی می‌شوند (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲).

اسمیت در کتاب *نظریه احساسات اخلاقی* خویش، *ماندویل* را که خواهش‌ها و ذوق‌های غیرقابل ایراد انسانی را «رذایل» نامیده است، سرزنش می‌کند و می‌گوید: تنها نفع شخصی - نه به‌عنوان عیب، بلکه به‌عنوان - یک فضیلت است که بی‌آنکه بدانیم یا بخواهیم، به طور طبیعی جامعه را به بهبود و رفاه و آبادی سوق می‌دهد (ژید و ژریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۸۴-۸۵).

جرمی *بتنام* با بیان صریح‌تری در این باره خیر و خوشبختی را از اساس مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت و یا لذت حاصل از مصرف کالاها و خدمات معرفی کرد (فیتز پتریک، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

در واقع در این دیدگاه‌ها آنچه اهمیت دارد این است که معیار اخلاقی فعل بر معیار غریزی آن منطبق است. ملاحظه موضع اسلام درباره فضایل و رذایل اخلاقی و مفاهیم مرتبط با آن - مانند شهوت، لذت، هوای نفس، لهو و لعب - و مفاهیمی همچون عقل، رشد و قناعت نشان می‌دهد که اسلام میان معیار غریزی که انسان را به طرف اعمال می‌کشاند و معیار اخلاقی که شایسته است فعل به خاطر آن انجام شود، تفاوت قایل می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید:

«عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶)؛ چه‌بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و چه‌بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

«وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ» (اسراء: ۱۱)؛ انسان همان‌گونه که خیر را می‌خواند، (پیشامد) بد را می‌خواند. قرآن علت هلاکت قارون را تبعیت او از هوای نفس بیان می‌کند: «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (اعراف: ۱۷۶)؛ اما او به زمین (دنیا) گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد.

در روایات نیز پیروی از خواهش‌های نفسانی سرزنش شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام به *شریح‌بن هانی* فرمود: «اگر خویشتن را از بسیاری از چیزهایی که دوست می‌داری به خاطر ترس از پیامدهای ناگوار آن بازنداری، هوا و هوس‌ها تو را به زبان‌های فراوانی خواهند رساند، بنابراین در برابر هوس‌های سرکش‌مانع و رادع باش» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، نامه ۵۶).

اسلام میان برخی لذت‌های طبیعی نفس و اهداف معنوی و مصالح اجتماعی زندگی ناسازگاری می‌بیند و

براین اساس، کنترل خواسته‌های مادی، به منظور تکامل معنوی را ضروری می‌شمارد. اسلام برای پالایش لذت‌ها و هدایت خواسته‌های انسان به سمت لذت‌های پاکیزه و سازگار با مصالح زندگی اجتماعی اولاً، ارزشمندی اعمال را در جلب رضایت خداوند - یعنی عالی‌ترین ارزش جهان هستی - می‌داند: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲). ثانیاً، باور او را نسبت به حقیقت حیات آدمی و گستره بی‌منتهای آن در جهان آخرت مستحکم می‌سازد و با قرار دادن پاداش اخروی برای رعایت لذت‌های مشروع و اجتناب از لذت‌های نامشروع، انگیزه‌های درونی انسان را نیز در این جهت فعال می‌سازد (صدر، ۱۳۵۶، ص ۵۹-۵۶).

نهادینه شدن ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته از مبانی مزبور نقش تعیین‌کننده‌ای در تکافل اجتماعی دارند. در جامعه‌ای که در آن اخلاق لذت‌طلبی، فایده‌گرایی، فردگرایی و رقابت در ثروت‌اندوزی حاکم باشد هر نوع پرداخت و اقدام در جهت کمک به نیازمندان کاری نامطلوب و هزینه بر تلقی خواهد شد و بعکس، استفاده مجانی از پرداخت‌های دیگران کاری مطلوب خواهد بود که ممکن است روحیه تنبلی و بیکاری را تشدید نماید.

به بیان دیگر، بر پایه جهان‌بینی اسلامی و نوع شناختی که اسلام از مبدأ و منتهای عالم و غایت و اهداف زندگی فردی و اجتماعی انسان ارائه می‌دهد، محاسبات عقلانی و سنجش سود و زیان اعمال انسان با آنچه در جهان‌بینی مادی تمدن سرمایه‌داری رایج است تفاوت جوهری وجود دارد. قرآن کریم در مقایسه اموالی که انسان در افق محدود و مادی این جهانی به خود نسبت می‌دهد و آنچه برای خدا اتفاق می‌کند، با توصیف اولی به ناپایداری و دومی به پایداری، ارزش‌گذاری بالاتر و برتر را به دومی می‌دهد: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۶)؛ آنچه (از ثروت و مال) نزد شماست، فانی می‌شود و آنچه [از پاداش و ثواب] نزد خداست، باقی می‌ماند، و قطعاً به آنان که [برای دینشان] شکیبایی ورزیدند، پاداششان را می‌دهیم بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند.

رسول اکرم ﷺ پس از قرائت سوره «تکواثر» فرمودند: فرزند آدم می‌گوید: مال من! مال من! آیا تو بجز آنچه صدقه دادی و (برای خود) باقی گذاشتی و آنچه خوردی و فانی کردی و آنچه پوشیدی و فرسوده ساختی، مال دیگری داری؟ (قشیری نیسابوری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۲۷۳).

در چارچوب محاسبات مادی، ممکن است صرف مال برای دیگران به گونه‌ای که منافع آن در این دنیا نصیب فرد نشود هزینه از دست‌رفته تلقی گردد، اما در دستگاه محاسبات الهی عکس این برداشت درست محسوب می‌شود. در روایتی آمده است که گوسفندی را در خانه پیامبر ﷺ ذبح کردند و گوشت آن را به دیگران دادند. پیامبر ﷺ از عایشه پرسید: «چیزی از آن مانده است؟» وی پاسخ داد: چیزی جز کف (سردست) آن، باقی نمانده است. پیامبر ﷺ فرمود: «بَقِيَ كَلْبُهَا غَيْرَ كَيْفِهَا»؛ بجز سردستش، همه آن باقی مانده است! (ترمذی، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۴۴).

نتیجه اینکه در رفتارهایی مانند کمک به دیگران و کمک گرفتن از دیگران، گرچه منافع و هزینه‌هایی نهفته است که در نهایت به خود فرد می‌رسد و از این نظر با منطق عقلانیت انطباق پیدا می‌کند، اما این پیامدها از این نظر که وجودشان در عالمی فراتر از عالم ظاهری و مادی امتداد پیدا می‌کند و بلکه بخش عمده آنها در عالم معنا و

باطن این عالم یعنی حریم قرب خداوند و جهان آخرت ظاهر می‌شود، با عقلانیت متعارف تفاوت پیدا می‌کند. از این رو، شناخت حدود و باید و نباید آنها تنها با اتکا به عقل خودبنیاد میسر نیست و باید با استمداد از آموزه‌های وحیانی شناخته شود.

همان‌گونه که اشاره شد، رفتارهای انفاق‌کنندگان و دریافت‌کنندگان وجوه خیریه مبتنی بر قاعده‌ای است و اصولی بر آنها حاکم است که در ادامه هر یک به صورت موجز شرح داده خواهد شد.

قاعده رفتاری در رفتارهای خیرخواهانه

پیش از وارد شدن به بررسی جزئیات اصول اخلاقی حاکم بر رفتارهای خیرخواهانه ابتدا لازم است قاعده کلی حاکم بر این رفتارها را که یک‌سو برگرفته از هدف نهایی زندگی در جهان‌بینی اسلامی است و از سوی دیگر، مبین اهداف و انگیزه‌های حاکم بر رفتارهای خیرخواهانه، همچنین به‌مثابه یک قاعده عملیاتی، راهنمای فرد در تعیین بایدها و نبایدهای رفتار خیرخواهانه است، معرفی کنیم.

براساس مبانی پیشینی که در بالا بدان اشاره شد و همچنین آموزه‌های برگرفته از قرآن کریم، روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام قاعده‌ای که می‌تواند مبین باید و نبایدهای رفتارهای خیرخواهانه باشد، عبارت است از: بیشترین «کمک‌رسانی به دیگران و اکتفا به کم برای خود». قرآن ما را به مسابقه در خیرات فراخوانده است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸).

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از صفات مؤمن را بسیار یاری‌رسان بودن و کم‌هزینه بودن دانسته است: «كثير المعونه و قليل المؤونه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۱۰). امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز در *نهج‌البلاغه* در توصیف پرهیزگاران، مضمون مشابهی به کار برده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۳). توصیه‌ای دیگر به یکی از اطرافیان خود نوشت: «أمسك من المال بقدر ضرورتك، و قدّم الفضل ليوم حاجتك» (همان، نامه ۳۱).

براساس این قاعده اخلاقی سلوک مسلمان در کمک‌رسانی به دیگران چنان است که اولاً، بیشترین تلاش خود را برای کسب درآمد به‌منظور کمک به دیگران انجام می‌دهد. ثانیاً، هزینه‌های زندگی شخصی خود را تا حد ممکن می‌کاهد که بتواند بیشترین مشارکت در امر خیر را داشته باشد. ثالثاً، در تخصیص درآمد خود به دیگران از جمیع جهات - مانند تعیین مصادیق انفاق، مقدار کمک برای هر گزینه، کیفیت کمک به دیگران، نوع رفتار با دیگران، و روش‌های کمک‌رسانی - همواره به گونه‌ای عمل خواهد کرد که بیشترین کمک به دیگران تحقق یابد؛ زیرا او معتقد است: این کار مرضی الهی است و او از این طریق می‌تواند بیشترین رضایت الهی را کسب کند.

اصول حاکم بر رفتار پرداخت‌کنندگان وجوه خیریه

بخشش به دیگران که جزئی از برنامه تخصیص درآمد فرد مسلمان است، دارای اصول و قواعدی دارد که در این بخش از آنها بحث خواهد شد. بررسی این قواعد از چند جنبه دارای اهمیت است: اولاً، از دیدگاه اسلام، مال و

ثروت، امانت الهی در دست انسان است که باید طبق دستور خداوند هزینه شود. ثانیاً، اموال خصوصی افراد، متعلق به اجتماع نیز می‌باشد و شیوه هزینه‌کرد آن نباید نافی حقوق اجتماعی باشد. ثالثاً، مشارکت اجتماعی در کنار هزینه‌های فرد به‌شمار می‌آید و پس‌انداز بخشی از آن برای آینده او لازم است و هر نوع انحراف در یکی موجب انحراف در دو قسم دیگر خواهد شد. رابعاً، بخشش از جهات متعددی مانند درجه نزدیکی گیرندگان به دهنده، نوع نیازهای موردنظر، زمان انفاق، مقدار انفاق، شیوه اعطاء، نوع مالی که انفاق می‌شود و مانند آن متفاوت است و هر کدام درجه اولویت و اهمیت ویژه‌ای دارد که باید رعایت گردد. مهم‌ترین این اصول و قواعد عبارت است از:

۱. توجه به تأمین نیازها به جای ارضای خواسته‌ها

ملاحظه آموزه‌های اسلامی مرتبط با مفاهیم نیاز و خواسته، از قبیل مئونه، حاجت، قناعت، حرص، شره، امل، فقر، فقرالنفس، غنا و غنی‌النفس نشان می‌دهد معیار اساسی در هر نوع تخصیص درآمدی - از جمله تخصیص درآمد به دیگران - «نیاز»، نه خواسته است. «نیاز» عبارت است از: چیزی که فقدان آن موجب اختلال در سلامتی جسمی، روانی و یا روحی شخص می‌شود و مصلحت او اقتضا می‌کند که آن را داشته باشد. اما خواسته به چیزی گفته می‌شود که صرفاً تمایل انسان است و داشتن آن موجب لذت و رضایت‌خاطر او می‌گردد، هرچند - در واقع - به مصلحت او نباشد؛ همانند تمایل افراد به سیگار یا مواد مخدر و یا مصرف بیش از حد کفاف و امثال آن؛ «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶)؛ «وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ» (اسراء: ۱۱). نیازهای انسان محدود، اما خواسته‌های او نامحدود است (ر.ک: فهیم‌خان، ۲۰۱۳).

براین اساس، انفاق‌کننده باید به جای توجه به ارضای خواسته‌های دیگران، همواره کمک به تأمین نیازهای آنها را وجهه همت خود قرار دهد و در صورت وجود امکانات، نیازهای آنها را تا مرز بی‌نیازی و یا ملحق کردن به سایر مردم تأمین کند.

۲. رعایت اعتدال در تخصیص درآمد میان تکافل اجتماعی، مصارف شخصی فعلی و پس‌انداز برای آینده

هرچند به سبب گرایش طبیعی انسان به توسعه مصارف شخصی، یکی از مهم‌ترین توصیه‌های اسلام که در صدها آیه و روایت بر آن تأکید شده، لزوم کاستن از دامنه این‌گونه هزینه‌ها به منظور ایجاد فرصت برای کمک به دیگران و انجام مشارکت‌های اجتماعی است (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲-۲۲۸)، اما تصمیم‌گیری درباره تخصیص بخشی از درآمد به تکافل اجتماعی باید به گونه‌ای اتخاذ شود که از مصارف لازم برای خود و تخصیص بخشی از درآمد به منظور تأمین نیازهای دوران پیری و درماندگی غفلت نشود. روشن است که صرف‌نظر از حالات خاصی که نیاز جدی پیدا می‌کند، در بیشتر جاها نادیده گرفتن نیازهای متعارف کنونی و آینده خود، به معنای ابتلای به فقر و اظهار حاجت به دیگران است که مورد رضایت خداوند نخواهد بود: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ

عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهُ كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (اسراء: ۲۹). قرآن کریم بر انفاق مازاد بر نیازهای شخصی تأکید می‌ورد: «وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» (بقره: ۲۱۹). در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بهترین صدقه آن است که از مازاد بر تأمین نیازهای خود و خانواده انجام شود (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۶).

۳. خیرخواهی و جلب رضایت الهی در انفاق

نوع دوستی و کمک به دیگران با انگیزه خیرخواهی رفتاری ارزشمند است. با این حال، تأکید قرآن بر این است که بالاترین مرتبه انفاق حالتی است که صرفاً برای جلب رضای الهی و با انگیزه قرب به خدای متعال انجام شود:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ إِيْتَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (بقره: ۲۶۵)؛

«إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لُؤْجِهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» (انسان: ۹)؛

«وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى وَ مَا لِيَخَذَ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا إِيْتَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى»

(لیل: ۱۷-۲۰).

تنها در این صورت است که علاوه بر بهره‌مندی از آثار دنیوی، پاداش اخروی نیز خواهد داشت: «وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ» (توبه: ۵۴).

قرآن کریم همچنین بیان می‌دارد که برخی انگیزه‌های منفی - مانند ریاکاری - و یا برخوردهای نادرست بعدی - مانند منت‌گذاشتن و اذیت روحی گیرندگان - آثار مثبت انفاق را از بین خواهد برد و چنین عملی را مانند نشانیدن دانه بر روی سنگ صافی می‌داند که غبار آن با باران تندی شسته شود و هیچ محصولی از آن به عمل نیاید (بقره: ۲۶۴).

۴. رعایت اولویت گیرندگان به ترتیب نزدیک‌ترین‌ها

اولویت‌گذاری در میان گیرندگان از اصول تأکیدشده در انفاق است و در آیات و روایات زیادی اهمیت و ترتیب آن بیان شده است. در آیات متعددی از قرآن کریم نیازمندان خویشاوند بر سایر نیازمندان مقدم داشته شده‌اند: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (بقره: ۲۱۵)؛ ر.ک: بقره: ۱۷۷و۸۳؛ نساء: ۴۶و۸؛ نور: ۲۲؛ نحل: ۹۰؛ اسراء: ۲۶؛ روم: ۳۸؛ شورا: ۲۳).

در روایت امام حسین علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ترتیب گیرندگان انفاق به این صورت بیان شده است: «إِبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ؛ أُمَّكَ وَ أَبَاكَ وَ أَخْتِكَ وَ أَخَاكَ، ثُمَّ أَدْنَاكَ فَأَدْنَاكَ» وَ قَالَ: «لَا صَدَقَةَ وَ دُورَجِمٍ مُحْتَاجٍ»؛ صدقه را از کسی آغاز کن که سرپرستی‌اش می‌کنی؛ مادرت، پدرت، خواهرت و برادرت، سپس نزدیک‌ترینت، پس نزدیک‌ترینت به ترتیب. و فرمود: صدقه‌ای نیست، درحالی‌که خویشاوندی محتاج است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۹). در روایات زیادی نیز بیان شده که هرگاه کسی از شما فقیر باشد ابتدا باید (در تأمین نیازها) از خود و خانواده‌اش شروع کند و اگر چیزی اضافه آمد بر خویشاوندان و اگر باز هم بود... (به ترتیب الأقرب فالأقرب) (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱۶-۲۱۸).

این گونه اولویت گذاری نشان دهنده واقع بینی اسلام نسبت به گرایش های فطری انسان و حسن تدبیر آن درباره برقراری پیوندهای پایدار اجتماعی است.

۵. رعایت اولویت نیازها به ترتیب اهمیت

رعایت درجه اهمیت و منفعت اجتماعی موارد صرف کمک ها و گزینه های گوناگون مصرف وجوه از دیگر اصول مؤکد اسلام است. عقلانیت اسلامی چنین اقتضا می کند که انسان در تخصیص وجوه خیریه خود، مقدار بازدهی گزینه لازم را با سایر گزینه ها مقایسه کند و از تخصیص درآمد به آنچه دارای بازدهی کمتری است اجتناب ورزد؛ مثلاً وقتی می خواهد مبلغی را به یکی از سه گزینه اطعام عمومی در یکی از مناسبت های مذهبی یا کمک به نیازمندی که در معرض بیماری شدیدی قرار گرفته و یا کسی از عهده مخارج ازدواج خود عاجز است و به همین سبب به گناه می افتد تخصیص دهد، با عنایت به اولویت حفظ جان مسلمان و محافظت از پاکدامنی مؤمنان، تا جایی که نیازهایی از نوع گزینه دوم و سوم وجود داشته باشد، گزینه اول فاقد اولویت است و باید اجتناب شود. در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ ضَيَعَ الْأَهْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۲۶)؛ هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد آنچه را که اهمیت بیشتری دارد از دست می دهد. رعایت این گونه اولویت ها مستلزم داشتن اطلاعات دقیق نسبت به وضعیت نیازمندان و انواع نیازهای اجتماعی است. افرادی که به تنهایی قادر به تهیه این اطلاعات نباشند می توانند از امکانات مؤسسات خیریه استفاده کنند.

۶. مراعات بزرگ تر بودن میزان منفعت دریافت کننده نسبت به مشقت ایجاد شده برای انفاق کننده

انفاق کننده باید همواره وضعیت روحی و مالی خود را با وضعیت گیرنده انفاق مقایسه کند و تنها در صورتی اقدام به انفاق کند که میزان منفعتی که به گیرنده انفاق می رساند از میزان سختی و مشقتی که در اثر این انفاق برای خودش ایجاد می شود بیشتر باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِي أَمْرٍ مُضَرِّةٍ عَلَيْهِ أَكْثَرُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُ» (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۲)؛ برای کمک به برادرت در کاری که ضررش برای تو بیش از سود آن برای اوست، وارد نشو. امام کاظم علیه السلام می فرماید: «لَا تُبْذِلْ لِإِخْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرَّهُ عَلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُمْ» (همان، ج ۴، ص ۳۲)؛ از [مال] خود به برادرتان به مقداری عطا نکن که ضررش بر تو بیش از منفعت آن برای آنان باشد.

۷. رعایت اعتدال و میانه روی

میانه روی یکی از ارزش های اخلاقی اسلام در همه زمینه ها، از جمله کمک های خیریه است. قرآن کریم می فرماید: «وَ الْذَّيْبِ إِذَا انْتَقُوا لَمْ يَسْفُؤُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ و آنان کسانی می باشند که هنگام انفاق (به مسکینان) اسراف نمی کنند و بخل هم نمی ورزند، بلکه احسان آنها در حد میانه و اعتدال است. میانه روی در

تنظیم میزان کمک به دیگران در مقایسه با مخارج مصرفی و پس‌انداز - که در بالا گذشت - میان‌روی در تخصیص مقدار وجوه به هریک از گزینه‌های خیریه در مقایسه با سایر گزینه‌های آن و میان‌روی در کمیّت و کیفیت اعطای وجوه در هریک از موارد، مراتب گوناگون میان‌روی است که همواره باید رعایت شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «طَرَيْفُنَا الْقَصْدُ وَ فِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۲۷).

رفتار میانه ممکن است بسته به شرایط زمانه، وضعیت درآمدی فرد، شأن و موقعیت سائل و مانند آن مصداق‌های متفاوتی داشته باشد؛ مثلاً قرآن کریم تأکید می‌کند که باید میزان مالی که انسان در راه خدا انفاق می‌کند به تناسب وسعت امکانات او توسعه پیدا کند: «لَيْتَنُفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (طلاق: ۷)؛ مرد دارا به وسعت و فراوانی خود خرج کند، و آنکه نادر و تنگ‌معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند، که خدا هیچ‌کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده است تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد. در روایات نیز بر وجوب توسعه کمک‌ها به تناسب استطاعت مالی تأکید شده است (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۹۸).

۸. پرهیز از اسراف و تبذیر

«اسراف» و «تبذیر» وقتی در کنار هم استعمال شوند معنای مشابهی دارند که به طور خلاصه می‌توان آن را هر نوع هزینه‌کرد ناروا دانست. اما «تبذیر» در اصل، به معنای ریخت و پاش مال است که همراه با هزینه‌کردن مال در راه‌های نادرست - مانند شرب خمر، موسیقی لَهوی و فساد جنسی - باشد. «اسراف» به معنای تجاوز از حد است که همراه با شیوه نادرست استفاده از مال و یا هزینه‌کرد آن است، هرچند اصل استفاده مشروع باشد. به بیان دیگر، مطلوب بودن هزینه‌کرد اموال منوط به این است که هم در جاهای خوب (عدم تبذیر) و هم به شیوه خوب (عدم اسراف) هزینه شود؛ نظیر مفهوم «بهره‌وری» در علم مدیریت که هم متضمن انجام کارهای خوب است، هم خوب انجام دادن کارهای خوب، که از اوّلی «اثربخشی» و از دومی «کارایی» تعبیر می‌شود.

قرآن کریم برای اهلیت تصرف در اموال، رشد عقلی را شرط دانسته و از قرار دادن اموال در اختیار افراد سفیه که قدرت تشخیص ارزش مال و مصرف صحیح آن را ندارند، نهی کرده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵). علاوه بر این برای تصرفات افراد بالغ و عاقل هم محدودیت‌هایی گذاشته است. یکی از این محدودیت‌ها حرمت تبذیر است. قرآن می‌فرماید: «وَأْتِ ذَاقُ الرُّبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ اِئِنَّ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء: ۲۶-۲۷). براساس حرمت تبذیر، هر نوع استفاده از اموال در راه‌های نادرست و نامشروع ممنوع است. محدودیت دیگر، حرمت اسراف است که در آیات متعددی از قرآن کریم با بیان شدیدی تحریم شده است: «وَ اتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱؛ نیز رک: اعراف: ۳۱؛ شعراء: ۱۵۱؛ مؤمن: ۲۸)؛ و حق آن را (زکات فقیران را) در روز درو و جمع‌آوری

آن بدهید و اسراف نکنید، که خدا مسرفان را دوست ندارد. براساس حرمت اسراف، هر نوع زیاده‌روی و هزینه کردن بی‌حد و اندازه اموال ممنوع است.

بر پایه ظاهر برخی روایات، کارهای خیر از ممنوعیت اسراف استثناء شده‌اند؛ مانند حدیث منقول از پیامبر ﷺ: «لَا خَيْرَ فِي السَّرْفِ، وَلَا سَرْفَ فِي الْخَيْرِ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۷۷، ص ۱۶۵)؛ در اسراف، خیری نیست و در [کارهای] خیر، اسراف نیست. و یا روایت امیرمؤمنان ﷺ: «الْإِسْرَافُ مَذْمُومٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۹۳۸)؛ اسراف در هر چیزی ناپسند است، مگر در کارهای خیر. اما بی‌تردید، مقصود از این روایات، این نیست که انسان حق دارد همه اموال خود را به بهانه نیکی کردن به دیگران ببخشد و خود و خانواده خویش را به فقر و فلاکت بیندازد. یک بار پیامبر خدا ﷺ همه اموالی را که نزدش بود، انفاق کرد، به‌گونه‌ای که دیگر چیزی نماند تا بتواند پاسخگوی نیاز دیگران باشد خداوند متعال ایشان را از این کار نهی فرمود (ر.ک: همان، ح ۹۰ و ۹۱). بنابراین، مقصود از روایاتی که تأکید دارند بر اینکه در کارهای نیک اسراف نیست، دفع توهّم نکوهیده بودن گشاده‌دستی در کارهای خیر است.

حرمت اسراف و تبذیر شامل مؤسسات خیریه و شخصیت‌های حقوقی هم می‌شود؛ به این معنا که مؤسسات خیریه برای اجتناب از تبذیر موظفند اطلاعات لازم از نیازهای جامعه را کسب کنند و از تخصیص وجوه به نیازها و یا نیازمندان غیرواقعی اجتناب کنند و در حد امکان، تدابیر لازم را برای کاستن از هزینه‌های اداری و ارائه خدمات خیریه با کمترین هزینه اتخاذ کنند. امیرمؤمنان علی ﷺ خطاب به کارگزاران اموال عمومی می‌فرماید: «أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ، وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَ احْذِرُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ، وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي، وَ إِيَّاكُمْ وَالْإِكْثَارَ؛ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۰)؛ قلم‌های خویش را تیز کنید و میان سطرهاتان کم فاصله نهدید و سخن‌های زیاده برایم ننویسید و آنچه را مقصود است بیاورید و از زیاده‌نویسی بپرهیزید؛ زیرا دارایی مسلمانان تحمل ضرررسانی ندارد.

۹. رعایت عزت نفس و کرامت‌گیرندگان

از دیدگاه قرآن، گیرنده اصلی صدقات خود خداوند است: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ» (توبه: ۱۰۴)؛ آیا مؤمنان هنوز نمی‌دانند که فقط خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقه آنها را قبول می‌کند. از این رو کمک به نیازمندان به‌مثابه قرض دادن به خدای متعال است که قرآن آن را قرض‌الحسنه می‌نامد: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (بقره: ۲۴۵)؛ کیست که به خدا قرض‌الحسنه دهد تا خدا بر او چندین برابر بیفزاید؟

معنای دیگر این حقیقت - چنان که در روایات تصریح شده - آن است که نیازمند - در واقع - فرستاده و نماینده خداست که باید برخورد شایسته‌ای با او به عمل آید.

از این رو اولاً، رد سائل و عدم اجابت خواسته او - در صورت تمکن - نکوهش شده و عقوبت‌های دنیوی و اخروی زیادی بر آن بار شده است: «وَأَمَّا أَسْأَلُ فَلَا تَنْهَرْ» (ضحی: ۱۰). از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام در سیره عملی خویش هیچ‌گاه سائلی را رد نکرده‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حتی در صورتی که چیزی برای اعطا نداشت، با وعده، سائل را راضی می‌ساخت. امیرمؤمنان علیه‌السلام انگشتر خویش را در رکوع نماز به سائل داد و با مشاهده چهره مأیوس سائلی به گریه افتاد و چون چیزی برای اعطا نداشت شمشیری را که با آن بارها از حریم رسول خدا دفاع کرده بود به او بخشید (کوفی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۵).

ثانیاً، وقتی فقیر آبرومندی از سر نیاز و اضطرار برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود از توانگری سؤال می‌کند، ناخواسته عزت و آبروی انسانی خویش را در معرض مبادله گذاشته است. مسئولیت انسان در قبال حفظ عزت و احترام هموعان و وظیفه خطیری که خداوند در این زمینه بر دوش او نهاده مقتضی برخوردی است که هرگونه آثار ذلت و خواری را از چهره سائل دور کند و او را در جایگاه عزت و حرمت شایسته خویش قرار دهد.

امیرمؤمنان علیه‌السلام پنج وسق (پنج بار شتر) از خرمای بُغِیغَه (نام چشمه‌ای در یَنبُوع) را برای مؤمن فقیر و آبرومندی که از هیچ کس حاجتی نمی‌خواست، فرستاد. شخصی به امام گفت: «به خدا قسم که او چیزی از شما طلب نکرده بود و یک وسق از آن پنج وسق او را کافی بود». امیرمؤمنان علیه‌السلام با ناراحتی فرمود: «خداوند امثال تو را زیاد نکند! من می‌بخشم و تو بُخَل می‌ورزی؟! اگر به کسی که به من امید دارد نبخشم تا آن‌گاه که از من حاجت بخواهد و سپس به او عطا کنم در این صورت، بهای چیزی را که از او ستانده‌ام، نداده‌ام؛ زیرا به او اجازه داده‌ام حرمتش را که باید در مقام عبادت در پیشگاه خداوند بر زمین نهد، به من ببخشد. چه کسی با برادر مسلمانش چنین می‌کند؟! اهل بیت علیهم‌السلام در این حالات، قبل از سؤال می‌بخشیدند و یا به کتابت حاجت امر می‌فرمودند و در بسیاری از موارد کمک‌های خود را از پشت پرده تسلیم می‌کردند (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸).

ثالثاً، گشاده‌رویی و مهربانی با نیازمندان یکی از توصیه‌های اخلاقی اسلام در مواجهه با نیازمندان است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عطای مالی خویش را با سخنان محبت‌آمیز همراه می‌ساخت. ملاطفت آن حضرت با اعرابی سائل نمونه اعجاب‌برانگیزی از اخلاق کریمانه اهل بیت علیهم‌السلام است. (ر.ک: هیشمی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۵۷۵). چه بسیار یتیمان و یتیم‌یوانی که دست عطوفت اهل بیت علیهم‌السلام مونس شب‌های فقر و فلاکتشان بود، درحالی که نام و نشانی بجز مهر و محبت و اخلاص از آورنده نان شب خویش نداشتند (ر.ک: ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶).

رابعاً، قرآن کریم از هر دو نوع صدقه آشکار و نهان (یا شب و روز) سخن به میان آورده است: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۴، ر.ک: رعد: ۲۲؛ ابراهیم: ۳۱؛ نحل: ۷۵). اما با این حال، اعطای مخفیانه صدقات، به‌ویژه در خصوص صدقات مستحبی را دارای اولویت می‌داند: «إِنْ تَبَدُّوا الْأَصْدَاقَ فَعِيْمًا هِيَ وَإِنْ تَخْفَوْهَا وَتَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره: ۲۷۱). به همین سبب اهل بیت علیهم‌السلام معمولاً صدقات خود را مخفیانه و شبانه به فقرا می‌رساندند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳).

خامساً، قرآن کریم از هر گونه برخورد منفی پس از انفاق - مانند منت گذاشتن و اذیت کردن - که مایه رنجش نیازمندان شود منع کرده و چنین اعمالی را موجب بطلان پاداش صدقه دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (بقره: ۲۶۴).

سادساً، هرچند تکدی یکی از پدیده‌های نامطلوب اجتماعی است که در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام به شدت مذمت گردیده است، اما چون گروهی از نیازمندان واقعی جامعه نیز گاهی در اثر شدت نیاز و اضطراب چاره‌ای جز سؤال و اظهار حاجت ندارند و در عمل، تشخیص نیازمندان واقعی از متکدیان حرفه‌ای مشکل است، اهل بیت علیهم‌السلام به‌طور کلی هیچ سائلی را رد نمی‌کردند و حتی در برخورد با متکدیان حرفه‌ای با کلمات حکیمانه و عطایی مختصر، به هدایت آنان می‌پرداختند (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۵ و ۱۴۹).

۱۰. مباشرت در اعطا (کمک بدون واسطه)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت در بیشتر مواقع، انفاق به نیازمندان را شخصاً و بدون واسطه انجام می‌دادند. این عمل ضمن اینکه شدت اهتمام آنها به محرومان و اهمیت تأمین نیاز آنان را ثابت می‌کند، بزرگداشت مقام انسانی نیازمندان و بهترین نوع دلجویی از آنان نیز به‌شمار می‌رود (کوفی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸). امام صادق علیه‌السلام فرمود: «الصَّدَقَةُ بِأَيْدِي تَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ وَ تَفَكُّ عَنْ لُجِيٍّ سَبْعِينَ شَيْطَاناً كُلُّهُمْ يَأْمُرُونَ أَنْ لَا تَفْعَلَ» (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۷)؛ صدقه دادن با دست خویش، مرگ بد و هفتاد گونه بلا را دور می‌سازد و از دهان هفتاد شیطان درمی‌آید که همگی می‌گویند: این کار را نکن.

امروزه با عنایت به ضرورت وجودی مؤسسات خیریه و نقش انکارناپذیر آنها در مدیریت وجوه خیریه، اگر بخواهیم به صورت همزمان، هم اصل «اعطاء بالید» را رعایت کرده و هم از کمک به این مؤسسات جا نمانیم، بهتر است مؤسسات خیریه حتی‌الامکان، به جای در اختیار گرفتن وجوه خیر و تصدی تخصیص آن به نیازمندان، صرفاً نقش واسطه معرفی نیازمند به خیر را ایفا کنند و این امکان را در اختیار خیران قرار دهند که به سهولت وجوه را با دست خود به نیازمندان اعطا کنند. البته این نکته نیز روشن است که «اعطاء بالید» منافاتی با واریز وجه به حساب نیازمندان توسط انفاق‌کننده با استفاده از ابزارهای بانک‌داری الکترونیک ندارد.

۱۱. پرهیز از ذخیره‌سازی و تسریع در تخصیص وجوه خیریه

تسریع در انفاق و پرهیز از امساک از ویژگی‌های اساسی مدیریت وجوه و اموال در اسلام است. معطل گذاشتن وجوه خیریه و تأخیر در تخصیص آن، علاوه بر آنکه از به‌سبب راکد گذاشتن پول، نکوهش شده است، به این سبب هم که تأمین نیازهای فقیران را دچار تأخیر می‌کند، با اشکال مواجه است و پیامدهای مضاعفی خواهد داشت. از این رو، در سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام از چنین رفتاری به‌شدت اجتناب شده است. اهتمام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در رعایت این اصل

به گونه‌ای بود که هرگاه مقدار اندکی از اموالی که باید به دست مستحقان آن می‌رسید، نزد ایشان باقی می‌ماند، آثار اندوه در چهره‌اش نمایان می‌شد.

ام‌سلمه می‌گوید: رسول خدا ﷺ به [خانه] من وارد شد، درحالی که رنگ چهره‌اش تغییر کرده بود. گمان کردم که این تغییر رنگ به سبب دردی باشد، گفتم: ای رسول خدا، چه شده که رنگ صورت شما تغییر کرده است؟ فرمود: به علت هفت دیناری است که دیروز به من دادند و چون شب فرا رسید، تقسیم نشد و اکنون در کنار بستر است (ابویعلی، ۱۴۰۸ق، ج ۶ ص ۲۸۸).

اصول حاکم بر رفتار دریافت‌کنندگان وجوه خیریه

اسلام علاوه بر اینکه برای انفاق‌کننده رعایت اصول و قواعدی را لازم شمرده است، برای انفاق‌شونده نیز رعایت اصول و قواعدی را لازم می‌داند. برای نمونه قرآن کریم گروهی از فقرا را ستوده است که از ابراز حاجت خویشتن‌داری می‌کنند و رفتارشان به گونه‌ای است که دیگران گمان می‌کنند اینان از برخورداران می‌باشند (بقره: ۲۷۳). اسلام درحالی که دعوت بلیغی از ثروتمندان برای احسان به سائلان به عمل آورده است، به نیازمندان اکیداً سفارش می‌کند که سؤال کردن مایه گشودن باب فقر و بدبختی به روی آنان در دنیا و شرمساری در قیامت خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر شخص گدا می‌دانست پیامد نیازخواهی چیست، هیچ‌گاه کسی از کسی چیزی نمی‌خواست، و کسی که از او چیزی درخواست می‌شود اگر می‌دانست که رد کردن نیازمند چه گناهی دارد هیچ‌گاه سائلی را با دست خالی رد نمی‌کرد» (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۱). ناپسندی نیازخواهی در روایات به‌حدی شدید است که اجتناب کامل از آن شرط کافی برای کسب جواز بهشت به‌شمار آمده است. رسول خدا ﷺ با چنین مضمونی از اصحاب خود بیعت (عهد و پیمان) می‌گرفت و نتیجه آن چنین بود که اگر چوب‌دستی از دست سواره‌ای بر زمین می‌افتاد، خودش پیاده می‌شد و آن را برمی‌داشت و به کسی نمی‌گفت: آن را به من بده (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۵۷ و ۱۵۸).

با وجود هشدارهایی که ذکر گردید، اظهار نیاز در مواقع ضرورت جایز است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۵۶) و حتی ممکن است در شرایطی وجوب هم پیدا کند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۴۰۰)، اما با عنایت به سنگینی بار روانی نیازخواهی بر سائل و اینکه این کار مستلزم وارد شدن او به محدوده هشدارهای شدید معنوی و پذیرش پیامدهای گرانبار دنیوی و اخروی آن است، وجوهی که با درخواست از دیگران به دست می‌آید، در ازای قیمتی گزاف خواهد بود. چنانچه نیازمند به هر علت ناگزیر از سؤال و یا دریافت کمک‌های دیگران باشد، انتخاب‌های وی در چنین وضعیتی دارای اصول و قواعدی است که در ادامه، بدان اشاره می‌کنیم.

۱. عدم پافشاری بر درخواست و قناعت به اندازه تأمین نیاز

از تعبیر قرآن کریم درباره گروهی از فقراى اصحاب رسول خدا ﷺ که با وصف «لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا» (بقره: ۲۷۳) (از مردم به اصرار چیزی نمی‌خواهند) ستوده شده‌اند، به دست می‌آید که از جمله آداب اسلامی نیازخواهی، پافشاری نکردن بر درخواست است. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: بدان که پافشاری در نیازخواهی هیبت آدمی را می‌برد و رنج و سختی به بار می‌آورد. پس صبر کن تا خداوند دری را به رویت بگشاید که به راحتی از آن وارد شوی؛ زیرا چه نزدیک است احسان و خوبی به آدم اندوهناک درمانده و امنیت به آدم فراری وحشت زده! چه بسا که تغییرات و گرفتاری‌ها نوعی تنبیه خداوند باشد. بهره‌ها مراتبی دارند. پس برای چیدن میوه‌های نارس شتاب مکن که به موقع آنها را خواهی چید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۷۸).

همچنین از نیازخواهی حرفه‌ای به شکل گردش در اماکن، معابر و درب منازل مردم (تکدی‌گری) شدیدتر نکوهش شده است. براساس روایت امام صادق علیه السلام خداوند شیعیان اهل بیت علیهم السلام را از ابتلا به چنین عملی در پناه خود محفوظ داشته است (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۶، ح ۳۷ و ۳۸).

۲. زهدورزی و عدم درخواست از افراد نااهل

به منظور کاستن از تبعات نیازخواهی، لازم است قبل از ارائه درخواست، از حلال بودن مال و گشاده‌دستی، نوکیسه نبودن، منت‌گذار نبودن و رازداری کسی که حاجت از او خواسته می‌شود، اطمینان حاصل گردد (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، مدخل سؤال). امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «با نیازمندی ساختن قابل تحمل‌تر است تا دست نیاز به سوی نااهل دراز کردن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۶۶). حضرت در بیان دیگری خطاب به امام حسن علیه السلام فرمود: «فرزندم، هرگاه سختی زمانه و قحطی روزگار دامنگیر تو شد بر تو باد به کمک گرفتن از کسانی که ریشه‌های استوار و شاخه‌های رویان و خرم دارند؛ آنان که بخشنده و ایثارگر و مهربانند؛ زیرا این افراد نیاز آدمی را برمی‌آورند و گرفتاری‌ها را برطرف می‌سازند» (همان، حکمت ۳۴۶).

۳. سپاس‌گزاری و رفتار نیکو با انفاق‌کننده

به جای آوردن حمد و ثنای الهی و سپاس‌گزاری زبانی از انفاق‌کننده و دعا در حق او از دیگر آداب نیازخواهی است (مَنْ لَمْ يُشْكِرِ الْمُتَمِّمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يُشْكِرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ) (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳). امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا لعنت کند کسانی را که سد راه خیر می‌شوند. شخصی عرض کرد: آنها چه کسانی می‌باشند؟ فرمود: مردی است که به او نیکی می‌کنند، ولی او کفران نعمت می‌کند. و این موجب می‌شود که آن شخص به دیگری نیکی نکند» (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۳). همچنین بر دریافت‌کننده کمک لازم است اعانه دریافت‌شده را حقیر شمارد و کسی را که به او کمک رسانده است مذمت نکند و اگر بر عیبی از او مطلع شد، عیب او را بیوشاند و اگر به او چیزی نداد از او بدگویی نکند و او را ملامت نکند (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰).

۴. قناعت به قدر ضرورت و تأمین نیاز

با توجه به نکوهش شدید نیازخواهی و توصیف صدقه به‌عنوان «لوساخ ایدی الناس»، درخواست‌کننده حاجت باید از حد ضروریات فراتر نرود. امام باقر^ع فرمود: «هر کس مازاد بر نیاز خود درخواست کند در روز قیامت با چهره‌ای خراشیده (بدون گوشت) خدا را دیدار کند». از امام صادق^ع همچنین نقل شده است: «هر که به اندازه خوراک روز خود داشته باشد و دست سؤال به سوی مردم دراز کند از اسراف‌کاران است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۵۵).

کارکردهای اقتصادی نهادینه شدن اخلاق اسلامی در رفتار پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان جوه خیریه

با توجه به آنچه درباره جایگاه رفتارهای خیرخواهانه در فلسفه اخلاق اقتصادی و اصول اخلاقی حاکم بر رفتار پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان و جوه خیر گفته شد، مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی نهادینه شدن این اصول را می‌توان در محورهای ذیل بررسی کرد:

الف. ارتقای نقش بخش خیریه به‌منابۀ مکمل عملکرد بازار و دولت

با توجه به تأکیده‌های فراوان آیات و روایات بر اعمال خیر - مانند انفاقات، صدقات، زکات، وقف، صلۀ‌رحم، قرض‌الحسنه، عاریه، احسان، تعاون، تکافل، مواسات، ایثار، امر به معروف و نهی از منکر، اخوت و احسان - انتظار می‌رود بخش خیرخواهانه جامعه اسلامی نقش پررنگ‌تری در ترمیم موارد عدم کفایت عملکرد بازار ایفا کرده و مشکل «عدم کفایت نوع‌دوستی» را به حداقل کاهش دهد. ایفای چنین نقشی در جامعه صدر اسلام به گونه‌ای بود که انفاقات و مشارکت‌های ایمانی مردم بیش و پیش از نهادهای قانونی دولتی، وظیفه تولید و توزیع کالاها و خدمات عمومی و استحقاقی را به عهده داشت. برای مثال، فریضه زکات قانونی در سال هشتم هجری تشریح شد، درحالی‌که بر مشارکت‌ها و صدقات داوطلبانه مردمی از ابتدای بعثت تأکید می‌شد و بسیاری از امور عمومی به خوبی از همین طریق به انجام می‌رسید (نادران و دیگران، ۱۳۹۱). بی‌تردید، وجود بخش خیریه نیرومند در کنار دولت موجب تقویت نهادهای مکمل بازار است و رفاه اقتصادی جامعه را ارتقا خواهد بخشید.

ب. کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعات

نامتقارن بودن اطلاعات مشکلی به نام «شکست قراردادی» راه هم برای بازار و هم برای دولت به وجود می‌آورد. بخش غیرانتفاعی به سبب اختیاری بودن، عدم ابتنای بر سود و اعتماد مردم به این بخش و آمادگی برای همکاری با آن به‌ویژه در آشکارسازی اطلاعات پنهان، کمتر با این مشکل مواجه است. برای مثال، احتمال سوء استفاده عرضه‌کنندگان خدمات بهداشتی در مراکز درمانی خیریه - به‌ویژه زمانی که انگیزه فعالیت خیریه صرفاً جلب رضایت الهی باشد - ناچیز خواهد بود. همچنین نکوهش شدید نیازخواهی و توصیه نیازمندان به قناعت به اندازه تأمین نیاز در فرهنگ دینی، احتمال سوء استفاده تقاضاکنندگان خدمات خیریه را به حداقل کاهش می‌دهد.

ج. کاهش مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب

کژمنشی و کژگزینی از جمله مشکلاتی است که برای فعالیتهای خیریه ذکر گردیده است. برای مثال وقتی به فقیر کمک می‌شود ممکن است انگیزه کار و فعالیت او کاهش یابد، و یا حمایت از زنان سرپرست خانوار ممکن است به کاهش انگیزه ازدواج منجر شود. همچنین در برنامه‌های حمایت از نیازمندان این امکان وجود دارد که افراد غیرفقیر خود را فقیر معرفی کنند.

راهکار پیشنهادشده برای این‌گونه مشکلات در اقتصاد، افزایش نظارت و غربالگری است که به نوبه خود بسیار پرهزینه است. اصول اخلاقی تأکیدشده در اسلام - مانند نكوهش حاجت‌خواهی، توصیه به عفاف و حفظ عزت نفس، مخاطرات اخلاقی - جانب تقاضای خیرخواهی را کاهش می‌دهد. همچنین تأکید بر اولویت نزدیکان و همسایگان و سفارش اعطاکندگانه به «اعطاء بالید» و پرداخت بدون واسطه به نیازمندان، موجب تقارن بیشتر اطلاعات در طرف دریافت و پرداخت وجوه خیریه می‌شود و از این طریق، هم امکان نظارت آسان‌تر می‌شود و هم احتمال انتخاب نامناسب کاهش می‌یابد.

د. کنترل صحیح پدیده «سواری مجانی»

«سواری مجانی» زمانی اتفاق می‌افتد که فرد بدون آنکه هزینه‌ای برای تولید کالا بدهد، بتواند از منافع آن به‌صورت رایگان بهره‌مند گردد. بروز این پدیده در اقتصاد، تولید و توزیع کالاهای عمومی را با مشکل مواجه می‌کند. تأثیر اخلاق اسلامی بر کنترل این پدیده به این صورت است که اسلام از یک‌سو، با تقویت باور مردم به عالم غیب و معاد و وعده پادشاه‌های مضاعف جهان آخرت، افراد ثروتمند را به مسابقه در خیرات فرامی‌خواند و انتظار می‌رود با رسوخ چنین فرهنگی، عرضه کالاهای عمومی و استحقاقی افزایش یابد و تفکر «بگذار دیگران هزینه این امور را بپردازند و من از مواهب آن استفاده کنم» در جامعه اسلامی چندان رواجی نداشته باشد. از سوی دیگر، با نکوهش شدید وابستگی به دیگران و بیت‌المال و تشویق افراد به کسب درآمد و خودکفایی در تأمین معاش، تقاضای استفاده از امکانات عمومی را کاهش می‌دهد و با این حال، استفاده مستحقان واقعی از این نوع امکانات را مجاز می‌شمارد. به بیان دیگر، اسلام در سیاست‌گذاری اجتماعی خود به گونه‌ای عمل می‌کند که هم زمینه سوءاستفاده کاهش یابد و هم کسی به سبب عدم خرید محکوم به محرومیت از مواهب زندگی نشود و بدین‌سان پدیده «سواری مجانی» را در حد معقولی کنترل می‌کند.

هـ. کاهش ناکارآمدی‌های ناشی از ویژه‌گرایی و عدم تخصص‌خیران

براساس پیش‌بینی سلامون، «ویژه‌گرایی»، «حرفه‌ای نبودن» و «پدرسالارمآبی» از جمله اشکالاتی می‌باشند که بخش خیریه را با ناکارآمدی مواجه می‌سازد. در این موارد نیز رعایت اخلاق اسلامی خیریه از دامنه چنین مشکلاتی خواهد کاست. از منظر ویژه‌گرایی - همان‌گونه که بیان گردید - هرچند توصیه اخلاق اسلامی درباره گیرندگان انفاق، رعایت درجه نزدیکی فامیلی و یا مکانی نیازمند به انفاق‌کننده است، اما با این حال، انفاق قرآنی در این حد

متوقف نمی‌شود و در صورت وجود منابع بیشتر، به رسیدگی عموم مؤمنان و برادران ایمانی و آحاد امت تأکید شده است؛ این بدان معناست که سیاست اسلام درباره گیرندگان انفاق محافظت از استحکام خانواده و امتداد آن به پیوندهای عام اجتماعی است.

مشکل «پدرسالارمآبی» نیز با عمل به اصل «رعایت اولویت نیازها به ترتیب اهمیت» و همچنین «اجتناب از تذبذب» در انفاق برطرف خواهد شد؛ زیرا براساس این اصول، انفاق‌کننده از دنبال کردن تمایلات غیرمعقول شخصی منع شده است؛ از او درخواست می‌شود که در تخصیص انفاقات خود، اولویت‌های اجتماعی را رعایت کند و در حین عمل و پس از آن نیز «عزت نفس و کرامت‌گیرندگان» را مورد توجه قرار دهد.

در زمینه علاج حرفه‌ای نبودن خیران و احتمال بروز ناکارآمدی در تخصیص وجوه خیریه نیز اصول اخلاقی متعددی قابل استفاده است و شاید بتوان گفت: مهم‌ترین دلالت اصول اخلاقی حاکم بر رفتار عرضه‌کنندگان وجوه خیریه - که بیان گردید - همین موضوع است. پرهیز از اسراف و تذبذب، رعایت اعتدال در کمیت و کیفیت انفاق، رعایت اعتدال در تخصیص درآمد به مصارف شخصی و کمک به دیگران، پرهیز از ذخیره‌سازی و تسریع در تخصیص وجوه خیریه، رعایت اولویت گیرندگان و رعایت اولویت نیازها، همگی به نوعی از بروز این مشکل پیشگیری خواهند کرد. روشن است که به کارستن این اصول، همانند هر فعالیت دیگری، در عمل مستلزم آموزش و تربیت نیروست که باید به نوبه خود برای تأکید شود.

و. ارتقا عملکرد نظام اقتصادی

قاعده رفتاری و اصول اخلاقی حاکم بر رفتارهای بخش خیریه علاوه بر اینکه از طریق کاهش مشکلات ناشی از طبیعت فعالیت‌های خیرخواهانه - که در بالا گذشت - به بهبود عملکرد این بخش کمک می‌کند، از جهات متعدد دیگری هم موجب افزایش کارآمدی فعالیت‌های این بخش و ارتقای عملکرد کلیت نظام اقتصادی خواهد گردید.

براساس قاعده رفتاری «بیشترین کمک‌رسانی به دیگران با اکتفا به کم برای خود» و اصول اخلاقی مذکور اولاً، تخصیص منابع (چه در خصوص مصارف شخصی و چه کمک به دیگران) به صورت کارآمد صورت خواهد گرفت؛ زیرا به جای خواسته‌ها که غالباً ممکن است در جهت رفاه واقعی افراد و جامعه نباشد، تأمین نیازها در دستور کار خواهد بود. در این زمینه نیز باید به گونه‌ای عمل شود که بیشترین بازدهی اجتماعی ممکن در تخصیص حاصل گردد. ثانیاً، برای کمک کردن به دیگران فرد باید مازاد درآمد داشته باشد و تلاش برای رسیدن به مازاد درآمد، رشد تولید جامعه اسلامی را تضمین می‌کند. ثالثاً، تبعیت از قاعده «بیشینه کردن کمک به دیگران و اکتفا به کم برای خود»، مقدار وجوه انتقالی از اقسار پردرآمد به افراد کم‌درآمد را ارتقا می‌دهد و وضعیت توزیع درآمد جامعه را در سطحی بهتر از عملکرد نهادهای دولت و بازار قرار خواهد داد. بدین‌روی انتظار می‌رود عملکرد نظام اقتصادی به صورت همزمان در زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف ارتقا پیدا کند.

نتیجه گیری

فعالیت های عام المنفعه در کشورهای گوناگون دنیا وضعیت روبه رشدی دارد. با این حال اقتصاد نئوکلاسیک مطالعه خود را به بهینه یابی رفتارهای بازاری انسان که با هدف تأمین منافع فردی صورت می گیرد، محدود ساخته است و به انتخاب بهینه در زمینه رفتارهای بشردوستانه و عام المنفعه کمتر توجه می کند. افزون بر این در ادبیات علمی موجود، از مشکلاتی مانند «عدم کفایت نوع دوستی»، «حرفه ای نبودن خیران» و «سواری مجانی» نیز نام برده شده که وجود آنها فعالیت بخش خیریه را با ناکارآمدی مواجه می سازد.

در بررسی جایگاه فلسفی فعالیت های خیرخواهانه، بیان گردید: با عنایت به اینکه بخش عمده پیامدهای این فعالیت ها در عالمی فراتر از عالم ظاهری و مادی امتداد پیدا می کند و منطق حاکم بر آنها با عقلانیت رایج در خصوص رفتارهای بازاری متفاوت است، حدود و بایدها و نبایدهای چنین رفتارهایی باید با استمداد از آموزه های وحیانی شناخته شود.

در این تحقیق با مراجعه به نصوص قرآنی و روایی به روش توصیفی - تحلیلی، قاعده رفتاری و اصول اخلاقی حاکم بر رفتارهای مطلوب پرداخت کنندگان و دریافت کنندگان وجوه خیریه کشف و ارائه گردید. بررسی های تحقیق حاکی از آن است که قاعده کلی در رفتارهای خیرخواهانه «بیشینه کردن کمک به دیگران با اکتفا به مقدار کم برای خود» است. اصول اخلاقی حاکم بر بخشش به دیگران - که جزئی از برنامه تخصیص درآمد فرد مسلمان می باشد - عبارت است از: اهتمام به تأمین نیازهای دیگران به جای ارضای خواسته ها؛ رعایت اعتدال در تخصیص درآمد میان تکافل اجتماعی، مصارف شخصی و پس انداز برای آینده؛ خیرخواهی و جلب رضایت الهی در انفاق؛ رعایت اولویت گیرندگان به ترتیب «الأقرب فالأقرب»؛ رعایت اولویت نیازها به ترتیب «الأهم فالأهم»؛ مراعات بزرگ تر بودن میزان منفعت گیرنده نسبت به مشقت ایجاد شده برای انفاق کننده؛ رعایت اعتدال و میانه روی؛ پرهیز از اسراف و تبذیر؛ رعایت عزت نفس و کرامت گیرندگان؛ مباشرت در اعطا (کمک بدون واسطه)؛ و پرهیز از ذخیره سازی و تسریع در تخصیص وجوه خیریه.

اسلام علاوه بر اینکه برای انفاق کننده رعایت اصول و قواعدی را لازم شمرده، برای انفاق شونده نیز رعایت اصول و قواعدی را لازم می داند. مهم ترین این اصول و قواعد عبارت است از: پافشاری نکردن بر درخواست؛ زهدورزی و عدم درخواست از افراد نااهل؛ سپاس گذاری و رفتار نیکو با انفاق کننده؛ و قناعت به قدر ضرورت و تأمین نیاز.

در بخش پایانی مقاله، با بررسی کارکردهای اصول اخلاقی مزبور نشان داده شد که با تحکیم این اصول اخلاقی، ضمن ارتقای نقش مکمل بودن بخش خیریه برای دولت در جبران موارد عدم کفایت بازار، آسیب های مذکور برای فعالیت های خیرخواهانه تا حد زیادی کاهش و عملکرد نظام اقتصادی در کل بهبود خواهد یافت.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *عوالی الالهی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهدا علیه السلام.
- ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، بی‌تا، *مناقب آل‌ابی‌طالب*، قم، مطبعة العلمیه.
- ابویعلی، احمدبن علی، ۱۴۰۸ق، *مسند ابی‌یعلی الموصلی*، تحقیق ارشاد الحق الاثری، جده، دارالقبلة.
- ترمذی، محمدبن عیسی، بی‌تا، *سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمدشاکر، بیروت، دار احیاء التراث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، چ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- توکلی، احمد، ۱۳۸۰، *بازار - دولت، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها*، تهران، سمت.
- جوزی، و. ت، بی‌تا، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه، علی رامین، تهران، امیرکبیر.
- حر عاملی، محمدحسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، آل‌البت علیهم السلام.
- حسینی، سیدرضا و مصطفی کاملی نجف‌آبادی، ۱۳۹۸، «تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافی در اقتصاد اسلامی»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۳۱، ص ۱۶۱-۱۹۴.
- دادگر، یدالله، ۱۳۷۸، *مالیه عمومی و اقتصاد دولت*، تهران، علم و ادب.
- _____، ۱۳۸۳، *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ژید، شارل و شارل ژست، ۱۳۷۰، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سبحانی، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- سازمان ملل، ۲۰۰۵، *دلیل المؤسسات غیر الربحیة فی نظام الحسابات القومیة*، نیویورک.
- سینگر، پیتر، ۱۳۹۸، *نوعدوستی مؤثر*، ترجمه آرمین نیاکان، چ سوم، تهران، نشر نی.
- صادقی، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، «تخمین تابع انفاق در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۶۱-۸۴.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۵۶، *بینش اجتماعی اسلام*، ترجمه کریم جعفری، تهران، حکمت.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، ط. الثانیه، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۴۱۴ق، *الخصال*، ط. الرابعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۴ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط. الثالثه، قم، اسماعیلیان.
- طغیانی، مهدی و مرتضی درخشانی، ۱۳۹۵، *اقتصاد وقف و خیریه*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- فیتز پتریک، تونی، ۱۳۸۱، *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.
- قشیری نیسابوری، مسلم‌بن حجاج، ۱۴۱۲ق، *صحیح مسلم*، تحقیق محمدفواد عبدالباقی، قاهره، دار الحدیث.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۰ق، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمدبن سلیمان، ۱۴۱۲ق، *مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، ط. الثانیه، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۸، *اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث.
- _____، ۱۴۱۶ق، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الإختصاص*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نادران، الیاس و دیگران، ۱۳۹۱، «الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین»، *معرفت اقتصادی*، ش ۶، ص ۲۶-۳۶.

نهضتی، سیدبهرروز و همکاران، ۱۳۹۰، «تحلیل رفتار خیرخواهانه در ایران»، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، دوره هشتم، ش ۱ (۹۰)، ص ۲۵-۴۶.

هیشمی، نورالدین، ۱۴۱۲ق، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دار الفکر.

Salamon, Lester M., 1987, "Partners in Public Service: The Scope and Theory of Government-Nonprofit Relations", *The Nonprofit Sector: A Research Handbook*, ed. by Walter W. Powell. New Haven, Conn: Yale University.

Collett, J. L.; Morrissey, C. A., 2007, "The social psychology of generosity: The state of current interdisciplinary research", (*Electronic Report for the John Templeton Foundation Generosity Planning Project*, V. 45, p 15.

Deborah L. Rhode & Amanda K. Packel, 2009, "Ethics and Nonprofits", *Stanford Social Innovation Review*. Available at https://www.leadingage.org/sites/default/files/Ethics_and_Nonprofits.pdf

Robinson, david a; Yeh, kung s, 2007, "managing ethical Dilemmas in nonprofit organizations Bound University", Available online at [https://epublications. Bond. Edu.au/business_pubs/11](https://epublications.Bond.Edu.au/business_pubs/11).

Mohammad Fahim Khan, 2013, "The Framework for Islamic Theory of Consumer Behaviour", *Journal of Islamic Business and Management*, 4(1): 17-54.